

باسمه تعالی

مسجد جعفری یادگار عزیز جمهور

انگار همین دیروز بود که با وجود همه مشغله‌هایی که داشتی خودت را به مسجد جعفری کوی نصر می‌رساندی و حتی گاهی زودتر از نمازگزاران در شبستان مسجد می‌نشستی و با مردم گپ می‌زدی... اما حالا دیگر نیستی. چه طور باید باور کرد که بیست سال تمام آمدی و رفتی و گره‌گشایی کردی و حالا باید عکس‌های مراسم یادبوت را بر در و دیوار مسجدی که دوست‌اش داشتی ببینیم؟

سید عزیز! این چنین ناگهان رفتنت را کجای دل بگذاریم؟ چگونه با این حقیقت تلخ کنار بیاییم که تا همین چند روز قبل همه مردم را در رسانه ملی خطاب قرار دادی و از دستاوردهای دولت گفتی؟ حالا اما... تو نیستی و این درد فقدان و فراق تا ابد بر دل مجروح این ملت نشسته است مگر آنکه التیام این قلب‌های زخم‌خورده همان روحیه جهادی باشد که تو همواره تلاش می‌کردی به تک به تک مردم بیاموزی، یعنی مردم یا علی بگویند و به سیره جهادی تو اقتدا کنند، بگویند یا علی! آستین همت بالا می‌زنیم تا راه شهید جمهور را ادامه دهیم. پس به نام و یادت ای سید محرومان... یا علی.

در کلبه ما رونق اگر نیست صفا هست / مسجد جعفری کوی نصر یادگار عزیز جمهور

همه مسجدی‌ها در سراسر کشور برای آن شهید جمهور، آن عزیز جمهور و آنکه از جوانی‌اش، عُمر برای ایران اسلامی گذاشت، عزادارند اما این مسجد و اهالی‌اش داغدارتر از دیگران هستند چراکه بیست سال شبستان مسجد جعفری کوی نصر میزبان سید وارسته و بزرگواری چون سید ابراهیم رئیسی به عنوان امام جماعت بود. مگر می‌شد خاطرات این بیست سال را به طرفه‌العینی از یاد ببرند؟ بنابراین با تأسی از روحیه ساده‌زیستی که سید محرومان داشت، مراسمی در نخستین شب خردادماه به همت اهالی مسجد و محله برگزار شد.



چهل سال در محله گیشا (کوی نصر) زندگی کردم و چون سید ابراهیم امام جماعتی مردمی تر ندیدیم

می گویند از دل برود هر آنکه از دیده برفت، اما این مثل در مورد شهید سید ابراهیم رئیسی، صدق نمی کند، چه آن زمان که در مسجد مستمر حضور داشت و مردم برای دیدارش لحظه شماری می کردند و چه آن دوران کوتاهی که به دلیل کثرت مسئولیت های ریاست جمهوری به ناچار دیگر حضور همیشگی در مسجد نداشت و گهگداری ناگهان و سرزده در مسجد حضور می یافت تا چشم ها به نور جمال این فرزند پیغمبر روشن شود. حقیقتا که در مراسم یادبودش به خوبی دریافتم که اتفاقا باید بگویند: از دل برود هر آنکه از دلها برفت نه هرآنکه از دیده برفت، که شهید جمهور با اینکه در دیدگان نبود اما دلها برایش می تپیدند و در این شب سینه ها از فراقش شرحه شرحه شدند.



زمزمه مردم در مراسم گرامیداشت یاد و خاطره شهید سید ابراهیم رئیسی در مسجد جعفری محله کوی نصر شنیدنی بود؛ یک نفر می گفت: چهل سال است که در کوی نصر زندگی می کنم و از کودکی اهل مسجد رفتن بودم. وقتی به این محله آمدم هم همیشه برای اقامه نماز به مسجد جعفری می آمدم اما هرگز در طول عمرم کسی را چون سید ندیدم که این قدر خاکی باشد. هر وقت با او سلام و علیک می کردی و نگاهش به نگاهت گره می خورد، محال بود جلوتر نیاید و دستانت را به گرمی نفشارد. اهل این نبود که خودش را بگیرد.

بانوی سالخورده ای عصا به دست و در حالی که به سختی به مسجد آمده بود و می گفت: این حقاش نبود، چه قدر برای مردم کار کرد، چه قدر عزیز بود. یادش بخیر که یکبار حین ورود به مسجد دیدم اش و گفت: التماس دعا حاجیه خانم.

...و نمونه های فراوانی از این دست که فراموش شدنی نیست، تو گویی کوی نصر عزادار است که اهالی اش از همان جلو درب مسجد موکب به پا کردند و از رهگذران و اتومبیل ها با خیرات حلوا و چای پذیرایی می کنند؛ ما که هر طرف در این محله سر چرخاندیم اعلامیه یادبود شهید جمهور و همراهان است که خودنمایی می کند و وقتی به مسجد می رسیم از در و دیوارش اعلامیه های یادبود آن عزیز سفر کرده و یارانش را نظاره می کنیم.

اما اکنون به تدریج پس از اقامه نماز جماعت مغرب و عشا به امامت حجت‌الاسلام و المسلمین «سید حمید خداداد حسینی» امام جماعت مسجد جعفری که از ارحام شهید جمهور است، روضه سیدالشهدا (ع) آغاز می‌شود و مداح با این فراز ذکر مصیبت را شروع می‌کند که یتیمی گمشده است ... جمعیت حاضر در مسجد با شنیدن این قطعه کوتاه فغان می‌کنند چراکه لفظ یتیم اشاره‌ای به طفلان امام حسین (ع) در کربلا و سرگردانی آنها دارد و امروز فرزند حسین (ع) که از کودکی طفلی یتیم بود چندین روز پیکرش گم شده بود؛ مداح دوباره می‌خواند ای کشته لب‌تشنه از آب فرات محروم... و باز هم مردم بر سر و سینه می‌زنند که ش



شهید سید ابراهیم رئیسی نیز لب تشنه و گرسنه بی‌آنکه لقمه‌ای غذا تناول کرده باشد رهسپار ماموریت شده بود.

مردم با ذکر مصیبت سیدالشهدا (ع) آرام گرفتند

همواره گفته‌اند روضه امام حسین (ع) شفا است. این مردم که برای گرامیداشت یاد و خاطره فرزند حسین (ع) در مسجد جعفری کوی نصر (گیشا) حضور یافته‌اند مگر آرام می‌شدند؟ جوّ مسجد غرق در بهت و شگفتی بود تا اینکه مداح از مصیبت سیدالشهدا (ع) و فرزندانش خواند و گفت: یا حسین این فرزندت را بپذیر که راه تو را

ادامه داد. آری! اینگونه است که مردم آرام می‌شوند چراکه به رسائی در دل‌شان حک شد که سید ابراهیم اکنون در آغوش جدش حسین (ع) است.



مسجد برای سید ابراهیم رئیسی یک اولویت و دغدغه بود

اکنون که لوسترهای مسجد جعفری با پایان یافتن روزه روشن شده‌اند برای مدت زمانی هرچند کوتاه در دفتر حجت الاسلام و المسلمین «سید حمید خداداد حسینی» امام جماعت مسجد حضور یافته‌ایم که به شدت عزادار است. او تنها امام جماعت این مسجد نیست بلکه نسبت خانوادگی با شهید جمهور دارد و به معنای واقعی کلمه داغدار است با این وجود با تواضع دعوت ما برای مصاحبه را لبیک گفت.

حجت‌الاسلام و المسلمین «سید حمید خداداد حسینی»، در ابتدای گفت و گوی خود با خبرنگار شبستان، با اشاره به آیه شریفه «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» اظهار می‌کند: این آیه برای ما التیام‌بخش است چراکه کلام خداوند است که بالاخص در چنین شرایطی باید نصب‌العین ما باشد، لذا بر مبنای کلام‌الله مجید است که این مصیبت را تحمل می‌کنیم.

امام جماعت مسجد جعفری کوی نصر ادامه داد: من با آیت الله «سید ابراهیم رئیسی» این شهید عزیز، این شهید جمهور، به مدت ۵۰ سال یعنی تقریباً تمام عمرم در ارتباط بودم؛ از یک خانه و خانواده بودیم چراکه پس اینکه ایشان یتیم شدند پدرم کفالت‌اش را بر عهده گرفت، آیت‌الله رئیسی در واقع از سن ۱۳ سالگی در خانه ما بود و اگر هم به سبب رابطه و نسب خانوادگی تا آن زمان با هم ارتباط داشتیم اما از آن سن دیگر در یک خانه کنار هم بزرگ شدیم.



وی سخنان خود را با روایتگری از مهاجرت پدر بزرگوارش از مشهد به قم ادامه داده و می‌گوید: پدر من از سال ۱۳۳۹ به قم مقدسه آمدند و پس از آنکه سید ابراهیم یتیم شد به منزل ما آمد و تحصیلات حوزوی اش را در قم آغاز کرد و ما از همان سنین نوجوانی تا به امروز با هم بودیم. او فارغ از نسبت فامیلی که با هم داشتیم، پسرخوانده پدرم و برادر بزرگ من بود.

حجت الاسلام و المسلمین خداداد حسینی در ادامه به شخصیت و سلوک رفتاری شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی اشاره کرد و افزود: او از همان دوران نوجوانی دارای ایمان قوی و اخلاق حسنه بود که این ویژگی‌ها در واقع نتیجه پرورش یافتن در دامن مادری صالحه و پدری فاضل بود؛ بنابراین من نیز که با او انس داشتیم و

عمرم را با آن شهید بزرگوار گذراندم و جز این رفتار در او ندیدم و جالب اینجاست که هرچه مقام علمی و مناصبش بالاتر می‌رفت نه تنها ذره‌ای از این حسن خلق و تواضع کاسته نمی‌شد که حتی افزایش می‌یافت و اینگونه است که امروز با شهادت‌اش این چنین محبوب دل‌های نه تنها مردم ایران که امت اسلام است و همه در غم از دست دادن او اندوهگین هستند. خداوند فرمود که اگر درطریق تقوا باشید محبت شما را در دلها می‌پرورانیم و آن شهید بزرگوار به راستی چنین بود.

استاد حوزه علمیه امام هادی (ع) در بخش دیگری از مباحث خود با بیان اینکه آیت‌الله رئیسی در تحصیل و تهذیب زبانزد خاص و عام بود، تصریح کرد: من از دوران کودکی و نوجوانی با او بودم و روحیه مردم‌اش را می‌دیدم؛ هرکسی با او ارتباط برقرار می‌کرد جذب اخلاق حسنه و محبت‌اش می‌شد، فارغ از این آن شهید بزرگوار در زمینه کار نیز به شدت جدیت داشت و با هیچ‌کسی حتی ارحام‌اش تعارف و شوخی نداشت. حق الناس و حقوق اجتماعی و بین‌الملل برای او اولویت داشت و در نتیجه از چنین شخصیتی ممتاز برخوردار بود که الگویی برای همه ماست.

وی افزود: یکی از نکات مهمی که در مورد آیت‌الله رئیسی می‌توانم به آن اشاره داشته باشم دغدغه مسجدی او بود، آن شهید با اقتدا و تاسی از سیره رسول خدا (ص) و امیرالمومنین امام علی (ع) مسجد را به مثابه یک پایگاه قرار داده بود، سلوک شهید جمهور مسجدی بود تا جایی که با وجود هم مشغله‌هایی که داشت به مدت ۲۰ سال در کسوت امامت جماعت مسجد جعفری فعالیت داشت و با درس اخلاق و تفسیر قرآن جوانان بسیاری را تربیت کرد که اکنون هریک از آنها بدون آنکه آن شهید واسطه شود، خودشان به مناصب علمی رسیدند و جایگاه علمی دارند، این حاصل تلاشی بود که عزیز جمهور در این مسجد بر آن اهتمام داشت و همواره جوانان را اولویت قرار می‌داد.



حجت الاسلام و المسلمین خداداد حسینی در ادامه به علاقه شهید جمهور به سیدالشهدا (ع) اشاره کرد و گفت: او که خود از سلاله سادات حسینی بود محبت عجیبی به امام حسین (ع) داشت، لذا در این مسجد آشپزخانه معظمی را با کمک خیرین برپا کرد تا از عزاداران پذیرایی شود، همچنین با اقتدا به سیره و سلوک جدشان از نیازمندان دستگیری کرده و در این راستا صندوق قرض الحسنه مسجد را راه اندازی کرد، در واقع همه تلاش‌اش این بود که مسجد در همه ابعاد فعال باشد.

امام جماعت مسجد جعفری کوی نصر تهران در ادامه به برخی خاطرات خود از شهید جمهور و دغدغه او نسبت به مسجد اشاره کرد و افزود: روزی قبل از آنکه ایشان تولیت آستان قدس رضوی را عهده‌دار شود در حالی که برای زیارت در مسیر عزیمت به حرم مطهر علی بن موسی الرضا (ع) بودیم به من گفت: آرزویم این است که به منطقه‌ای دور از پایتخت بروم و در مسجدی که روحانی ندارد در بین مردمی که نیاز به این دارند که با قرآن و معارف دین آشنا شوند اقامه جماعت کنم و تفسیر قرآن بگویم، این آرزوی من است و من به عنوان طلبه وظیفه‌ای دارم، علقه‌ای ندارم به جایی بروم که شهرتی داشته باشد، بسیار پیش می‌آمد و می‌گفت که آماده‌ام به مسجدی دورافتاده برای تبیین معارف دین بروم.

وی ادامه داد: بعد از مدتی حکم تولیت آستان قدس رضوی از سوی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) برای شهید جمهور زده شد، به یاد می آورم که یک روز به مسجد گوهرشاد رفته بودم و دیدم که ایشان پس از اقامه نماز بالای منبر نشسته و در حال بیان تفسیر قرآن برای مردم است، همانجا یاد آن خاطره افتادم که به من گفت: دوست دارم در منطقه‌ای دورافتاده در مسجدی حضور یابم و تفسیر بگویم، با خودم فکر کردم که خدایا، این عنایت توست که اگر فردی تواضع کند این چنین او را به رفعت می رسانی، چنانکه پیامبر اکرم (ص) فرمود: «مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ» (هر که برای خدا فروتنی کند، خداوند او را بالا برد).

حجت الاسلام و المسلمین خداداد حسینی تصریح کرد: آن شهید آرزو داشت به مسجدی در نقطه‌ای دورافتاده برود، تواضع داشت و همین فروتنی‌اش سبب شد که خداوند بهترین مسجد و بهشت روی زمین در جوار علی بن موسی الرضا (ع) را قسمت‌اش کند تا اقامه نماز جماعت داشته باشد و تفسیر قرآن را برای خیل زوار بگوید.



وی در ادامه به ماجرای حضورش در مسجد جعفری اشاره کرد و افزود: پس از آنکه ایشان تولیت آستان قدس رضوی را عهده دار شد دیگر فرصت حضور در مسجد جعفری را نداشت، آن زمان من همچنان در قم مشغول تدریس و تحصیل بودم تا اینکه از من خواست برای کمک به تهران بیایم و در مسجد جعفری در کسوت امام

جماعت حضور یابم و در نتیجه اکنون شش سال و اندی است که در این مسجد حضور دارم و جلسات اخلاق و تفسیر قرآن مرتبا در مسجد برقرار است، تلاشم این بود که بتوانم راه او را ادامه دهم.

حجت الاسلام و المسلمین خداداد حسینی در پایان خطاب به مردم شهیدپرور اظهار کرد: مردم بدانند رئیس جمهوری داشتند که اهل محراب بود، امام جماعت بود و در عین حال مرد سیاست، او مرد شجاعت در عرصه بین الملل بود، او الگویی از مدیر اسلامی بود که اسوه اش امیرالمومنین علی (ع) بود.

با پایان یافتن سخنان حجت الاسلام خداداد حسینی قصد ترک مسجد را می‌کنم، جمعیت نیز کم‌کم در حال متفرق شدن هستند اما جو سنگین و حزن‌آلودی بر فضا حاکم است. گویا هیچ‌کسی باور نمی‌کند که او رفته است اما یک واقعیت انکارناشدنی همواره دل‌ها را آرام می‌کند: راه شهید جمهور ادامه دارد.